

Mouth and ears are opened to a man who is deaf and mute. This is what the Gospel tells us about. When Jesus Christ turns to people, then they can hear what God has to say to them, yes, then they can tell this to others and join in the praise of God.

We hear about this in the 7th chapter of the Gospel of Mark.

دهان و گوش بر مردی که کر و لال است باز می شود. این چیزی است که انجیل در مورد آن به ما می گوید. وقتی عیسی مسیح به مردم روی می آورد، آن ها می توانند بشنوند که خدا به آنها چه می گوید، بله، آنگاه می توانند این را به دیگران بگویند و به ستایش خدا پیوندند.

این را در فصل هفتم انجیل مرقس می شنویم.

31. Soon after this Jesus left the region of Tyre, and passed through Sidon to the Sea of Galilee, through the region of Decapolis [the ten Hellenistic cities].

32. They brought to Him a man who was deaf and had difficulty speaking, and they begged Jesus to place His hand on him.

33. Jesus, taking him aside by himself, away from the crowd, put His fingers into the man's ears, and after spitting, He touched the man's tongue [with the saliva];

34. and looking up to heaven, He sighed deeply and said to the man, "Ephphatha," which [in Aramaic] means, "Be opened and released!"

31. عیسی از ناحیه صور بازگشت و از راه صیدون به سوی دریاچه جلیل رفته، از میان قلمرو دِکاپولیس عبور می‌کرد.

32. در آنجا مردی را نزد او آوردند که هم‌گر بود و هم‌لکنت زبان داشت. از عیسی التماس کردند دست خویش را بر او بنهد.

33. عیسی آن مرد را از میان جماعت بیرون آورده، به کناری برد و انگشتان خود را در گوش‌های او گذاشت. سپس آب دهان انداخت و زبان آن مرد را لمس کرد.

34. آنگاه به سوی آسمان نظر کرده، آه عمیقی کشید و گفت: «افّثح!» یعنی «باز شو!»

35. And his ears were opened, his tongue was released, and he began speaking plainly.

36. Jesus commanded them not to tell anyone; but the more He ordered them, the more widely they continued to proclaim it.

37. They were thoroughly astounded and completely overwhelmed, saying, "He has done everything well! He even makes the deaf hear and the mute speak!"

35. در دم گوشهای آن مرد باز شد و گرفتگی
زبانش برطرف گردید و توانست به راحتی
سخن گوید.

36. اما عیسی آنها را قدغن کرد که این موضوع
را به کسی نگویند. ولی هر چه بیشتر
قدغنشان می کرد، بیشتر از این واقعه سخن
می گفتند.

37. مردم با حیرت بسیار می گفتند: «هر چه
او کرده، نیکوست؛ حتی کران را شنوا و
گنگان را گویا می کند!»

***Sermon for 27 August 2023, 12th Sunday
after Trinitatis 2023, Lector Stoffers, Kreuz-
kirche about Isaiah 29, 17-24***

Dear congregation,

1. God created the world. And behold, it was very good. It did not stay that way. It did not remain good and certainly not very good. The people, they did not treat each other well. There was ill will and violence and anger and injustice. The conditions were bad, it was not a peaceful coexistence and into this time and into this world the prophet Isaiah speaks. He sees the suffering of the people. He hears the words of God. Because God turns to Isaiah. It is pictures that Isaiah draws of these conversations - threatening pic-tures that trace reality and depict a future that will become even darker if the people do not listen to what God has to say.

**خطبه در 27/8/23، دوازدهمین یکشنبه پس از تثلیث 2023،
لکتور استوفرز، kreuzkirche**

درباره اشعیا 24-29:17

حضار گرامی

1. خداوند جهان را آفرید. و بین خیلی خوب بود اینطوری نماند. خوب باقی نماند و مطمئناً خیلی خوب نبود. مردم، با هم خوب نبودند. کینه و خشونت و خشم و بی عدالتی وجود داشت. شرایط بد بود، همزیستی مسالمت آمیزی وجود نداشت و اشعیای نبی از این زمان صحبت می کند. رنج مردم را می بیند. او سخنان خدا را می شنود. زیرا خداوند به اشعیا روی می آورد. این تصویری است که اشعیا از این گفتگوها ترسیم می کند - تصاویر شومی که واقعیت را ترسیم می کند و آینده ای که اگر مردم به آنچه خدا می گوید گوش ندهند، حتی بدتر خواهد بود.

2. Isaiah sees what is going on in society, and in the people of Israel. He names all the transgressions of the people and finds words that express with great force the evil that the people themselves are causing. Isaiah does not want to draw the evil and then stop in the contemplation of it. No - he dares to look where things are going wrong, where power is exploited and people are oppressed. He wants to make clear: If it goes on like this, the horror will become much greater.

2. اشعیا آنچه را که در جامعه و در قوم اسرائیل می‌گذرد می‌بیند. او تمام اشتباهات مردم را نام می‌برد و کلماتی را می‌یابد که با قدرت زیادی بیانگر شرارتی است که خود مردم ایجاد می‌کنند. اشعیا به ترسیم شر و توقف در تأمل در آن، توجه ندارد. نه - او جرأت می‌کند ببیند که کجا اوضاع خراب است، کجا از قدرت سوء استفاده می‌شود و مردم تحت ظلم قرار می‌گیرند. او می‌خواهد روشن کند که اگر اوضاع به همین منوال پیش برود، وحشت از این هم بیشتر خواهد شد.

3. اشعیا پس از جرات نگاه کردن به ورطه عمل می کند. او صدا را تغییر می دهد، تصاویری را که خلق می کند تغییر می دهد. کلمات ترس کمتری به همراه دارند، زیرا خداوند آینده جدیدی در انتظارش است. آینده ای که با واقعیت فعلی مطابقت ندارد، اما دقیقاً برعکس آن است. آینده ای که یک چیز را به طور کامل و واضح پیش روی خود قرار می دهد: امید. امید به زمانی که رنج کمتر باشد. امید به روزگاری که ظلم نباشد. امید به زمانی که همه چیز خیلی خوب باشد. آن زمان کی خواهد بود؟ هنوز زمان زیادی تا شروع متن خطبه که برای امروز برنامه ریزی شده باقی مانده است. بیایید بشنویم که آن زمان چگونه خواهد بود و اجازه دهید خدا از طریق اشعیا در زمان حال ما صحبت کند، به دنیای امروز ما.

3. Isaiah acts after he dares to look into the abyss. He changes the tone, changes the images he creates. The words produce less fear, because God holds out the prospect of a new future. A future that does not correspond to the present reality, but is exactly the op-posite of it. A future that precedes one thing so completely clear and great: hope. Hope for a time when suffering is less. Hope for a time when there is no oppression. Hope for a ti-me when everything is very good. When will that time be? It is still a little while away, so begins the sermon text provided for today. Let us listen to what the time will be like then, and let God speak through Isaiah into our present time, into our world today.

4. آیا در اندک زمانی واقع نخواهد شد که لبنان به بوستان مبدل گردد و بوستان به جنگل محسوب شود؟ و در آن روز گران کلام کتاب را خواهند شنید و چشمان کوران از میان ظلمت و تاریکی خواهد دید. و حلیان شادمانی خود را در خداوند مزید خواهند کرد و مسکینان مردمان در قدّوس اسرائیل وجد خواهند نمود. زیرا که ستمگران نابود و استهزاکنندگان معدوم خواهند شد و پیروان شرارت منقطع خواهند گردید. که انسان را به سخنی مجرم می سازند و برای کسی که در محکمه حکم می کند دام می گسترانند و عادل را به بطالت منحرف می سازند.

۱۷، ۲۹-۲۱

4. In a very short time, Lebanon will be turned into rich farm lands. The rich farm lands will seem like a forest. At that time those who can't hear will hear what is read from the scroll. Those who are blind will come out of gloom and darkness. They will be able to see. Those who aren't proud will once again find their joy in the Lord. And those who are in need will find their joy in the Holy One of Israel. Those who don't show any pity will vanish. Those who make fun of others will disappear. All those who look for ways to do what is evil will be cut off. Without any proof, they claim that a person is guilty. In court they try to trap the one who speaks up for others. By using dishonest witnesses they keep people who aren't guilty from being treated fairly.
(Isaiah 29:17-21)

5. Long ago the Lord saved Abraham from trouble. Now he says to Jacob's people: "You will not be ashamed anymore. Your faces will no longer grow pale with fear. You will see your children living among you. I myself will give you those children. Then you will honor my name. You will recognize how holy I am. I am the Holy One of Jacob. You will have great respect for me. I am the God of Israel. I will give understanding to you who find yourselves going astray. You who are always speaking against others will accept what I teach you." (Isaiah 29:22-24)

5. بنابراین خداوند که ابراهیم را فدیه داده است دربارهٔ خاندان یعقوب چنین می‌گوید که از این به بعد یعقوب خجل نخواهد شد و رنگ چهره‌اش دیگر نخواهد پرید. بلکه چون فرزندان خود را که عمل دست من می‌باشند، در میان خویش بیند، آنگاه ایشان اسم مرا تقدیس خواهند نمود و قدوس یعقوب را تقدیس خواهند کرد و از خدای اسرائیل خواهند ترسید. و آنانی که روح گمراهی دارند فهم خواهند شد و متمردان تعلیم را خواهند آموخت. ۲۲، ۲۹-۲۴

6. We find both here: A description of the situation as it is experienced and glimpsed and a description of what is to come. Both are juxtaposed and opposed. The time of the fulfillment of the promise is within reach. The waiting time is limited. It is not infinite. But the longing is infinite. The longing for peace. Lebanon will bear fruit. Fruit that gives nourishment and helps economic growth. Yes, income will be generated and thereby security will be donated, as well as independence. Lebanon as a country that sees a hopeful future ahead through self-determination.

6. ما در اینجا هر دو را می یابیم: توصیف وضعیت به گونه ای که تجربه می شود و دیده می شود، و توصیف آنچه در آینده خواهد بود. هر دو در تقابل و مخالف هستند. زمان وفای به عهد نزدیک است. زمان انتظار محدود است. بی نهایت نیست اما اشتیاق بی نهایت است. اشتیاق برای صلح. لبنان محصول خواهد آورد. میوه ای که تغذیه می کند و به رشد اقتصادی کمک می کند. بله، درآمد ایجاد می شود و این امنیت و استقلال را فراهم می کند. لبنان به عنوان کشوری که آینده ای امیدوارکننده را از طریق تعیین سرنوشت خود می بیند.

7. زمینی که قبلاً حاصلخیز است مانند جنگل خواهد شد. جنگلی که مصالح ساختمانی و هیزم را برای گرمایش و پخت و پز فراهم می کند. چوب مواد اولیه ساخت خانه ها را آسان می کند و رشد را ممکن می کند. و سپس توصیف جهان همانطور که خواهد بود بسیار ملموس می شود و ما در مورد نمونه هایی می خوانیم که می توانیم آنها را معجزه بنامیم - بله، معجزه.

7. What is already fertile land is to become like a forest. A forest that enables building material and firewood for warming and cooking. Through the raw material of wood, the building of houses is facilitated and growth is made possible. And then the description of the world as it will be becomes very concrete and we read of examples that we can indeed call miracles.

8. ناشنویان سخنان کتاب را می شنوند. منظور از «کلمات کتاب» چیست؟ خداوند برنامه های خود را از طریق رؤیا به پیامبر ابلاغ می کند و این رؤیا به کتاب مهر شده تشبیه شده است. پس چیزی جز این نیست که ناشنویان سخنان خدا را بشنوند، درک کنند و نیز بفهمند. نه تنها ناشنویان این تغییر کامل را در نحوه درک و تجربه خود از جهان تجربه می کنند، بلکه نابینایان نیز تاریکی چشمانشان پایان خواهد یافت و بینا میشوند.

8. Those who are deaf hear the words of the book. What is meant by "the words of the book"? God communicates His plans to the prophet through visions and these visions are compared to a sealed book. So nothing else is meant than that those who were deaf hear, perceive and also understand the words of God. Not only the deaf experience this complete change from the way they perceive and experience the world, but also the blind whose eyes will see out of darkness and gloom.

9. تعجب می کنم که منظور از ناشنوا و نابینا چیست؟ آیا افرادی هستند که به دلیل ناتوانی نمی شنوند یا نمی بینند یا این که به معنای مجازی و فراگیر است؟ که ما می توانیم بشنویم و در عین حال نشنویم؟ اینکه ما می توانیم ببینیم و در عین حال نبینیم؟ نه شنیدن و دیدن آنچه مهم است. نشنیدن و دیدن آنچه واقعاً مهم است؟ نشنیدن و ندیدن آنچه خدا می خواهد به ما بگوید؟ آیا ما اغلب نسبت به کار خدا در دنیا و در خود کر و کور نیستیم؟

9. I wonder what is meant by the deaf and blind. Are they people who cannot hear or see because of a limitation, or is this meant figuratively and across the board? That we can hear and yet not hear? That we can see and yet not see? Not hearing and seeing what matters? Not hearing and seeing what is really important? Not hearing and seeing what God wants to say to us? Are we not often deaf and blind to God's work in the world and in us?

10. Isaiah invites me to feel this. Yes, to feel. And to look and listen. Where is God for me? Is he in the silence? Is he in the darkness? Do I meet him when everything around me is like numb and dark, or even in moments of absolute fulfillment and joy? There are so many questions. We cannot answer them all, today and here, but we can continue to keep them awake in our hearts and souls, asking. The question: Where do I see and where do I hear God?

10. اشعیا مرا به همدلی دعوت می کند. برای احساس کردن و نگاه کردن و گوش دادن. خدا برای من کجاست آیا او در سکوت است آیا او در تاریکی است آیا وقتی همه چیز در اطرافم بی حس و تاریک است یا در لحظات رضایت و شادی مطلق با او ملاقات می کنم؟ خیلی سوال ها هستند که ما نمی توانیم امروز و اینجا به همه آنها پاسخ دهیم، اما می توانیم آنها را در قلب و روح خود بیدار نگه داریم. سوال: خدا را کجا می بینم و کجا می شنوم؟

11. It continues with the comparison of what is and what will be. The wretched will have joy in the Lord again, that is, those who have lost the ease of faith. Those who are weary of faith will find it difficult to draw strength and joy and energy from faith. To these people, joy will be returned. The joy in God, the joy in faith, the joy in lightness and thus in life it-self.

11. با کنار هم قرار گرفتن آنچه هست و آنچه خواهد بود ادامه می یابد. فقرا دوباره در خداوند شادی خواهند یافت، یعنی کسانی که سهولت ایمان را از دست داده اند. کسانی که از ایمان خسته شده اند، به سختی می توانند از ایمان نیرو و شادی و انرژی بگیرند. شادی به این افراد باز می گردد. شادی در خدا، لذت در ایمان، شادی در سبکی و بنابراین در خود زندگی.

12. Fear of the future is a constant companion of those who are poor. The poorest among the people will be joyful, so it will happen. The hope for justice and equilibrium in society - this hope finally reaches the goal. Those who have the least reason to be joyful at the moment; they will be joyful. The difference between the time as it is and the time as it will be is enormous. Poverty is no longer a cause for worry and despair. There will be joy. Thus a society is sketched, towards which Israel - with God! - lives.

12. ترس از آینده همراه همیشگی افراد فقیر است. فقیرترین مردان خوشحال خواهند شد، چنین خواهد بود. امید به عدالت و شرایط متعادل در جامعه - این امید بالاخره به هدف خود می رسد. کسانی که کمترین دلیل برای شاد بودن را در حال حاضر دارند؛ آنها خوشحال خواهند شد. تفاوت بین زمان آنگونه که هست و زمانی که خواهد بود بسیار زیاد است. فقر دیگر دلیلی برای نگرانی و ناامیدی نیست. شادی خواهد بود. این است که چگونه یک جامعه ترسیم شده است به سمت آن اسرائیل - با خدا! - زندگی می کند

13. برای شروع جدید، چیز های کهنه باید جای خود را به چیز های جدید بدهند. پیری که ظلم می کند، از قدرت سوء استفاده می کند، بد می کند و باعث رنج می شود. این باید برود و خواهد رفت. این امید بزرگی است که اشعیا به اینجا می کشد. امید بزرگ برای تغییر در جهان که دوم نیست و تا این حد وجودی است: زیرا ظالمان و مسخره کنندگان، کسانی که در دادگاه دروغ می گویند یا دام می گذارند تا بی عدالتی عادل شود و بی گناهان حق خود را از دست بدهند. همه اینها نابود خواهد شد. در اینجا چیزی کمتر از قانون و دادگاه، مجرمیت و بی گناهی نام برده شده و معنای آن برجسته شده است. چون رویه قضایی برای ما وجودی برای همه است.

13. In order for the new to begin, the old must give way. The old, which oppresses, exploits power, does injustice and causes suffering to people. That must give way, and it will give way. It is a great hope that Isaiah draws here. The great hope for a change in the world that is unparalleled and so existential: for the tyrants and the mockers, those who lie in court or set traps so that injustice is done right and the innocent lose their justice. All these will be destroyed. Nothing less than right and judgment, guilt and innocence is named here and the importance of it is emphasized. For the administration of justice is existential for everyone for us.

14. Do I have confidence in the jurisdiction of the country in which I live? Do I have the certainty that the law will protect me and that injustice done to me will have consequences? Or is it the opposite and I suffer from the fear or worry that I will be innocently convicted and that my right will not be upheld? Trust in the administration of justice plays a central role in peaceful coexistence in society. What happens to us, to society, if this trust is not given? How are people who live in countries and states where this trust is not felt?

14. آیا به قانون کشور محل زندگی خود اطمینان دارم؟ آیا مطمئن هستم که قانون از من حمایت خواهد کرد و ظلمی که در حق من انجام می شود عواقبی خواهد داشت؟ یا برعکس است و من از این ترس یا نگرانی دارم که بی گناه محکوم شوم و حقوقم ادا نشود؟ اعتماد به قوه قضائیه نقش اساسی در همزیستی مسالمت آمیز جامعه دارد. اگر این اعتماد داده نشود، چه بر سر ما و جامعه می آید؟ مردمی که در کشورهای زندگی می کنند که این اعتماد احساس نمی شود چگونه هستند؟

15. God continues to speak and emphasizes that Jacob - that is, the people of Israel - no longer has to stand there ashamed. The shame is put away and the fright that leads to paleness passes. Shame and fear, all this can pass away because the action of God shows itself in its vulnerability, and that is in the newborn children. It is the greatest miracle when new life is born and children come into the world. This miracle, created by God, shows the works of his hands. Or as Martin Luther once put it: "When you see a child, you have caught God in the act."

15. خداوند به سخنان خود ادامه می دهد و تأکید می کند که یعقوب - یعنی قوم اسرائیل - دیگر نباید شرمنده باشند. شرم کنار گذاشته می شود و ترسی که به رنگ پریدگی منجر می شود از بین می رود. شرم و ترس، همه اینها می تواند از بین برود، زیرا کار خدا در آسیب پذیری خود، در کودکان تازه متولد شده خود را نشان می دهد. این بزرگترین معجزه است که زندگی جدید بوجود می آید و فرزندان به دنیا می آیند. این معجزه که خدا آفریده، آثار دستان او را نشان می دهد. یا همانطور که یک بار مارتین لوتر گفته است: "اگر کودکی را دیدی، خدا را در عمل گرفتار کرده ای."

16. Two other groups are enumerated who will change their behavior. They are those who err now and then come to understanding, and those who grumble will be taught. There will then be harmony among people. This is the new future. It is the fulfillment of the hope of seeing and hearing God's word.

16. دو گروه دیگر فهرست شده اند که رفتارشان را تغییر خواهند داد. این کسانی هستند که هرازگاهی خطا می کنند و به خود می آیند و به کسانی که زمزمه می کنند آموزش داده می شود. سپس در بین مردم وحدت ایجاد می شود. این آینده جدید است. این تحقق امید به دیدن و شنیدن کلام خداست.

17. Where do I see and where do I hear God? It can help to consciously focus attention on this dialogue. The dialogue with God, because in it the relationship with God gets attention. Yes, this level of relationship also needs attention. This does not mean that God puts distance to us if we cannot or do not want to cultivate this relationship for a while. The connection stands and is there. The connection between God and his creation.

17. خدا را کجا می بینم و کجا می شنوم؟
می تواند به جلب توجه آگاهانه به این
گفتگو کمک کند. گفتگو با خدا، زیرا در
آن رابطه با خدا مورد توجه قرار می گیرد.
بله، این سطح از رابطه نیز نیاز به توجه
دارد. این بدان معنا نیست که اگر نتوانیم یا
نخواهیم این رابطه را برای مدتی حفظ کنیم،
خداوند ما را از ما دور می کند. ارتباط
وجود دارد. ارتباط بین خدا و خلقت او.

18. But it is good for us if we nurture this connection. This can be done in prayer. When we simply close our eyes and feel. Feel into our heart, into our soul and become still. Becoming still and feeling: What is there in me? Which thoughts? What feelings? What worries? What joy? Feel this and let it become conscious, and bring it before God.

18. اما خوب است که این ارتباط را تقویت کنیم. این را می توان در نماز انجام داد. اگر فقط چشمانمان را ببندیم و احساس کنیم. در قلب ما، در روح ما احساس کنید و ساکن شوید. آرام باش و احساس کن: در من چیست؟ چه افکاری؟ چه احساساتی؟ چه نگرانی؟ کدام دوستان؟ این را احساس کنید و بگذارید آگاه شود و آن را پیش خدا بیاورید.

19. و سپس گوش دهید. به آنچه خداوند پاسخ می دهد گوش دهید. او پاسخ خواهد داد. احتمالاً نه همیشه فوراً و نه به روشی که ما انتظار داریم - اما او پاسخ خواهد داد. من با اشعیا موافقم. این معجزه زندگی است که می توانیم با احترام به خدا تقدیم کنیم. معجزه زندگی ما خداوند فرصت شنیده شدن را ایجاد می کند. او راههایی برای رسیدن به ما پیدا می کند و وقتی قلب خود را به روی کلام او باز می کنیم، درک سخنان خدا را آسان تر می یابیم.

19. And then listen. Listen to what God will answer. He will answer. Probably not always immediately and not in the way we expect - but he will answer. I am convinced of that with Isaiah. It is the miracle of life that we can reverently offer to God. The miracle of our life. God procures the opportunity to be heard. He finds ways to us, and when we open and widen our hearts to His Word, we find it easier to understand God's words.

20. وقتی به جهان اطراف خود نگاه می کنیم و در آن خلقت خدا، شکفتی زندگی، و چگونگی ارتباط همه چیز را می بینیم - این مورد، نگاه ما به جهان و افراد اطرافمان را تغییر می دهد. شاید در حال حاضر نسبت به آن کر و کور هستیم، بیایید از این خجالت، از شرم و این شوک خارج شویم و فعالانه به ساختن ملکوت خدا کمک کنیم.

20. When we look at the world around us and see God's creation in it, the miracle of life, and how everything is interconnected, it changes our view of the world and the people around us. Maybe we are deaf and blind to it right now, let us go out of this numbness, out of this shame and fright and actively build the kingdom of God.

21. It is a wonderful vision that God gave to Isaiah. The vision of this new world, where there are no more tyrants, no more scoffers, no more anyone who does wrong. This new world, it is still a while away, and it is already becoming a reality wherever tyrannical behavior is ended, where mockery is no longer retold, where oppressive behavior ceases. It begins small to build the peace of the world. It starts in small things and we can start with ourselves. By seeing ourselves in the light of God's creation. As God's children who are loved and in connection with Him.

21. این رویایی شکفت انگیز است که خدا به اشعیا داد. چشم انداز این دنیای جدید که در آن نه ظالم، نه مسخره کننده و نه خلافکار وجود دارد. این دنیای جدید هنوز مدتی است و در حال تبدیل شدن به واقعیت است، هر جا که رفتار ظالمانه پایان یابد، جایی که دیگر به تمسخر گفته نمی شود، جایی که رفتار ظالمانه پایان می یابد. برای کمک به ایجاد صلح در جهان در مقیاس کوچک شروع می شود. از کوچک شروع می شود و ما می توانیم از خودمان شروع کنیم. با دیدن خود در پرتو خلقت خداوند. ما به عنوان فرزندان خدا مورد محبت و ارتباط با او هستیم.

22. It is summer. Now, here, when we read and hear the lines from the prophet Isaiah. In the middle of the year, we can look at what wants to be made to sound in our hearts. No New Year's resolutions in the cold season, but look now in the summer: what desires for change do I have? And do we have as a society? What does my fertile land look like? And after that, look and go and create fertile land, within us. Guided by the hope of peace with my people around me, because that's how we actively build the peace of the world. The hope for a world where everything is very good. It is not vain, nor naive, but the spark that can ignite the fire that dispels the darkness. Amen!

22. تابستان است. اکنون، در اینجا، همانطور که خطوط اشعای نبی را می‌خوانیم و می‌شنویم. در اواسط سال می‌توانیم ببینیم چه چیزی دوست داریم در قلبان باشد. هیچ تصمیمی برای سال نو در فصل سرد وجود ندارد، اما اکنون در تابستان نگاه کنید، چه آرزوهایی برای تغییر دارم؟ و آیا ما به عنوان یک جامعه؟ زمین حاصلخیز من چگونه است؟ و به دنبال آن بگرد و به آنجا برو و بیافرین: زمین حاصلخیز، در درون ما. با هدایت امید به صلح با مردم اطرافم، زیرا اینگونه است که ما به طور فعال صلح را در جهان ایجاد می‌کنیم. امید دنیایی که در آن همه چیز بسیار خوب باشد. نه پیهوده است و نه ساده لوحانه، بلکه جرقه‌ای است که می‌تواند آتشی را افروخته کند که تاریکی را از بین می‌برد. آمین